

بسم الله الرحمن الرحيم

پرداختن به قانون اساسی و مجلس خبرگان از مسائل ضروری و تعیین کننده کنونی مطالب شما دو بخش بود: یکی راجع به امور بازرگانی و بازار و برگرداندن بازار را به یک بازار اسلامی که اشخاصی که برخلاف موازین اعمالی می کنند جلوگیری بشود، یکی هم راجع به قانون اساسی و وضع قانون اساسی. من حالا اعتقاد این است که آن قسمت اول یک قدری ما صبر بکنیم و قسمت ثانی که الان اولیت دارد، در آن صحبت بکنیم و بعد مربوط به آن اقدام بکنیم. الان چیزی که مطرح است آن چیزی است که اساس اسلام و اساس مذهب مبتنی بر آن است و آن قانون اساسی مملکت است. در قانون اساسی مملکت، یک صحبت در این است که شما گفتید که باید روی موازین شرعیه باشد. شک ندارید این، لکن شماها مطالعه کنید، همین قانونی که منتشر شده است و هر جا که نظر دارید یا اصحاب نظر، نظر داده اند نظرتان را بنویسید و به مجلس سنا که بناسبت همه نظرها مجتمع بشود آنجا بدهید تا انشاء الله بعد آن خبرگانی که آنجا می روند، آنجا روی هم بریزند و اصلاح کنند و یک مسأله دیگر که مهم است قضیه خبرگان است. در قضیه خبرگان اهمیت خیلی زیاد است برای اینکه ممکن است که یک وقتی اگر ماها، شماها غفلت کنید یا سستی کنید یا انتظارتان را متوجه به یک مسائل دیگر بکنید، اشتغال به مطالب دیگر پیدا بکنید، اشخاصی که یا مسیر شما مخالف هستند چند نفری بفرستند در مجلس و موجب زحمت بشوند. از این جهت در اینوقت باید همه توجه به آن دو تا مطلب باشد: یکی تدوین قانون اساسی یعنی نظر در قانون اساسی که شماها هر کس صاحب نظرند نظر بدهند و یکی هم انتخاب اشخاصی که باید بشود، اشخاصی که مستدین باشند، اشخاصی که اهل نظر باشند، شرقی و غربی نباشند، مورد اطمینان جامعه باشند. این چند نفری که در تهران شده است باید یک همچو اشخاصی باشند، که البته یک معرفی هم بعضی اشخاص صاحب نظر می کنند. در هر صورت الان طرح همه چیزها (چون طرح های زیادی الان می آید) طرح همه چیز الان یک قدری با مسیر مخالفت دارد. آن چیزها قدم قدم باید پیش رفت، یعنی هر چی در هر وقتی که موقعش هست. یک مسائلی است که حالا موقعش است؛ یک مسائلی است که بعد موقعش است، یک مسائلی است که متأخرتر.

خدا در اصول قانون اساسی مایه ضربه به پیکر یک جامعه آن که الان مطرح است آنهایی است که اساس حکومت ماست اگر در اساس قانون اساسی ما یک خدشهای بشود، یک اشتباهاتی باشد یا عمدی یا خطئی، این سرنوشت یک مملکتی را عوض می کند. بنابراین الان راجع به اصناف و گرفتاری هائی که در اصناف است و چیزهائی که در بازار واقع می شود، الان طرح این مسأله یک قدری زود است. این طرح این مسأله باید بشود که همه نظر بدهید راجع به قانون اساسی، قوانین را صرف این مطلب بکنید. الان ما احتیاج مان به این مسأله است، نه احتیاج مان به بازار. الان اگر - راجع - به ما همه احتیاجات داریم، خوب مدارس ما نواقص دارد باید رفع بشود، دانشگاه هم نواقص دارد، دادگستری هم نواقص دارد، همه اینها باید رفع بشود، اما اگر ما حالا از این مطلبی که الان اساسی است برای ما، دست برداریم و بیرویم سراغ آن مسائل، خدای نخواستہ رخنه می کنند در این مسأله اساسی ما، بعد هم اگر خدای نخواستہ آنها غلبه بکنند، دیگر نه بازاری برای شما می ماند و نه مدرسه ای برای ما.

پس حالا باید این دو تا مسأله ای که الان موقعش است، دو مسأله دیگر هم بعد از این موقعش است: یکی انتخابات است، یکی انتخاب رئیس جمهور. انتخابات مجلس شورا است که امسال غیر سال های سابق است، غیر دوره های سابق است. دوره های سابق فرمایشی بود، هیچ کدامان هم اطلاع نداشتید که کی و کیل می شود و کی می شود. چه بخواهید چه نخواهید می شود، اما حالا اینطور نیست، خود شما باید تعیین بکنید و در آنجا هم آن قدم بعد باید برداشته بشود و وکلایی که آنجا تعیین می شود هم باید بعد نظر همه تان بدهید که و بعد از اینکه این مسائل تمام شد و یک استقراری در حکومت پیدا شد، آنوقت این مسائل باید به طور دقیق بررسی بشود. پس حالا همه ما، نه من به احتیاجات خودم و نه شما به احتیاجات خودتان الان نظر نکنید، خیال کنید که، که دو سال دیگر هم خدای نخواستہ این حکومت آن بود. یک چند ماهی است. انشاء الله با یک چند ماهی تمام می شود مسأله و این چند ماه هم روی همان سال های طولانی که گذشت است.

ایجاد اختلاف، حرکتی است در مقابل پیشرفت نهضت

و مهم این است که یک اختلافاتی الان ایجاد می کنند یعنی اشخاصی که می خواهند نگذارند که نهضت ما نتیجه بگیرد. - ما - یک نهضتی کرده اید شما، یک قدرت بزرگی را شکست دادید لکن نتیجه این نبوده است که فقط به قدرت برسید. اگر عوض آن قدرت، یک قدرتی نظیر آن بیاید، خوب همان است که بود. پس عمده این است که ما بعد از رفتن آن قدرت نتیجه ای که اسلام می خواهد، نتیجه ای که صلاح مسلمین است بگیریم. در همین حالی که برای نتیجه مشغول بررسی و اقدام است، یک دست هایی از خارج و داخل مشغول ایجاد اختلافاتند، یک اختلافاتی بین مردم به جهات مختلف، به اسماء مختلف، به جهات مختلف، خیلی توجه به این معنا بکنید و به دوستانان و بازاری ها هم بعد از اینکه سلام من را می رسانید این مطلب را بگوئید که توجه تام به این معنا داشته باشید که هر کس

بخواهد ایجاد اختلافی بکند، بدانید که با آدم نادانی است، تحت تأثیر واقع شده است، یا آدم شیطانی است که می‌خواهد نگذارد نهضت درست بشود. الان اختلاف سر هیچ نکنید. من در آن صحبت‌های طولانی هم که کردم سفارش کرده‌ام این مطلب را. شما هم رفقایان، دوستانان، خودتان توجه این معنا را داشته باشید که الان اختلاف ایجاد نشود، یکی بیاید بگوید کتاب کی چطور است، کی بگوید چطور است اینها. الان اختلافات اسباب این می‌شود که ما نتوانیم این قدم را که الان لازم است برداریم.

استمداد از افراد خیر برای جلو گیری از اجحاف و گرانفروشی و کوشش برای آبادانی بنا بر این، این مساله اول شما انشاء الله بعد از یک مدتی که یک استقراری پیدا بکند، لا اقل یک حکومت — چه — مستقری پیدا بکنیم و این تقیص و خیلی تقایص دیگر، یکی، دو تا نیست برای اینکه ۵۰ سال، اقل پنج‌ده و چند سال و ۲۵۰۰ سال هم جلوتر کوشش کرده‌اند تا اینکه خراب کنند، برای آبادی کوششی نکرده‌اند، منتها یک کسی خراب می‌کرد و نمی‌گفت که من دارم آباد می‌کنم، این محمد رضا خراب می‌کرد و فریاد می‌کرد که ما می‌خواهیم به تمدن بزرگ برسیم. ما را عقب راندند، فرهنگ ما عقب است الان، اقتصاد ما سالم نیست، درست انشاء الله می‌شود و همه چیز ما خراب است، همه جا را خراب، می‌عده دادند. الان از هر طرفی که از ایران می‌آیند اینجا پیش ما، تقریباً هر چند روز یک دفعه یک گروهی از اطراف می‌آیند، همه شکایت از اینکه ما هیچی نداریم، نه بهداری داریم، نه اسفالت داریم، نه چی داریم. من گاهی به آنها می‌گویم که آقا، شما خیال نکنید که شما هیچی ندارید، تهران هم ندارد. تهران این زاغه‌نشین‌ها را بروید ببینید که اینها هیچ ندارند، یک تکه‌ای از تهران است که چیز دارد. این بیچاره‌ها و مستضعفینی که اطراف تهران الان خیمه دارند — و نمی‌دانم — کیر دارند و امثال ذلک، آنها هم هیچی ندارند. اینها کوشش کرده‌اند به اینکه نگذارند یک مملکتی آباد بشود، با اسم اینکه می‌خواهند تمدن بزرگ درست کنند بکلی خراب کردند. انشاء الله اینها باید بعد از اینکه اساس مطلب درست بشود به اینها رسیدگی بشود. یکی‌اش هم قضیه بازار است، یکی‌اش هم که حالا هم خوب، صحبتش هست قضیه گرانفروشی‌های زیاد: آخر فکر نمی‌کنند اینهایی که اجحاف اینقدر می‌کنند، گرانفروشی اینقدر می‌کنند که این برادرهایشان، این بیچاره‌ها، این سراپا برهنه‌ها که فریاد کردند توی این خیابان‌ها و خونشان را دادند، حالا باید اینطور باهاشان معامله کنند که یک کس که هیچ ندارد نتواند هندوانه بخرد و در تابستان یک فقیری که چند تا بچه دارد نتواند هندوانه بخرد، نتواند یک میوه‌ای برای زن و بچه‌ای ببرد برای اینکه وضع گرانی آنطور است و مانمی‌دانیم باید چه بکنیم. آیا می‌شود که در بازار یک خیرمندانی باشند یک دکان‌هایی باز کنند عمومی برای مردم با یک قیمت مناسبتری رویش بگذارند تا این گرانفروشی تمام بشود؟ این را که نمی‌دانم حالا. علی‌ایحال خداوند همه‌تان را تأیید کند و موفق باشید که یک بازار اسلامی، یک مملکت اسلامی پیدا بکنید که این الگو بشود برای همه جا انشاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته